

به نام خداوند جان و خرد

قدرت جذب پول

چگونه پول را جذب کنیم؟

نویسنده:

ژوزف مورفی

مترجم:

نیلوفر شریف پور



سرشناسه: مورفی، جوزف، ۱۸۹۸ - ۱۹۸۱ م.
Murphy, Joseph
عنوان و نام پدیدآور: قدرت جذب پول: چگونه پول را جذب کنیم؟/نویسنده ژوزف مورفی؛ مترجم نیلوفر شریف‌پور.
مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۹۲ص:؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۰۶-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: How to attract money
موضوع: چگونه پول را جذب کنیم؟
موضوع: موفقیت
موضوع: Success
موضوع: پول
موضوع: Money
موضوع: ثروت
موضوع: Wealth
شناسه افزوده: شریف‌پور، نیلوفر، ۱۳۶۴- مترجم
رده بندی کنگره: BF ۶۳۷
رده بندی دیویی: ۱۵۸/۱
شماره کارشناسی ملی: ۷۳۹۸۹۴۲



«قدرت جذب پول»

- مولف: ژوزف مورفی ● مترجم: نیلوفر شریف‌پور
- ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد
- تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● قیمت: ۶۵/۰۰۰ تومان ● چاپ: شهر
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۰۶-۸ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۰۷-۵
-
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۹۲۷۳۳-۶۶۹۷۴۱۵۲ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۱۰۰۰۷۰۸۷ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست

۵.....	ثروتمند بودن حق شماست.....
۴۵.....	مسیر رسیدن به ثروت.....
۸۱.....	در مورد دکتر ژوزف مورفی.....

ثروتمند بودن حق شماست

این حق شماست که ثروتمند باشید. شما در دنیا هستید تا زندگی سرشار از شادمانی، درخشش و آزادی را تجربه کنید. بنابراین تمام پولی که دارید باید یک زندگی سرشار از شادمانی و هدف را برایتان به ارمغان بیاورد.

فقر باعث یک بیماری ذهنی است؛ بنابراین فقر باید از روی زمین ریشه‌کن شود. ما باید از لحاظ روحی، ذهنی و مادی رشد آشکاری داشته باشیم. حق شما برای رشد و ابراز خودتان در تمام مسیرها حتمی است و نباید از آن محروم شوید. محیط اطرافتان باید با زیبایی و تجملات احاطه شده باشد.

چرا باید فقط به آن مقداری که دارید کفایت کنید وقتی می‌توانید از ثروت بی‌نهایت جهان هستی لذت ببرید؟ در این کتاب یاد می‌گیرید با پول دوست شوید و همیشه مقداری پول اضافی داشته باشید. تمایل شما برای ثروتمند بودن یک تمایل برای داشتن زندگی با رضایت بیشتر، شادتر و حیرت‌انگیزتر است. این بحث و انگیزه مرتبط با عالم هستی است. باور کنید بحث خوبی است، خیلی خوب.

سعی کنید اهمیت واقعی پول را درک کنید: به عنوان وسیله‌ای برای تبادل کالا. اهمیت واقعی پول یعنی مستقل از خواسته‌هایتان باشید. به مفهوم زیبایی، تجمل، فراوانی همراه با تهذیب و تزکیه است.

هنگامی که این فصل را می‌خوانید، احتمالاً می‌گویید: "من پول بیشتری می‌خواهم." "من شایستگی دارم که حقوق بیشتری دریافت کنم در مقایسه با آنچه اکنون دریافت می‌کنم."

من معتقدم که بیشتر مردم پاداش کافی دریافت نمی‌کنند. یکی از دلایلی که بسیاری از مردم پول بیشتری ندارند این است که آن‌ها به شکل پنهانی یا به شکل آشکار پول را کثیف می‌دانند. آن‌ها به پول به عنوان یک "ابزار کثیف" نگاه می‌کنند، یا عقیده دارند که پول ریشه تمام شرارت‌هاست (و بسیاری از عقیده‌های اشتباه دیگر در مورد پول). دلیل دیگر برای آنکه آن‌ها در ثروتمند شدن موفق نشده‌اند این است که احساسات پنهانی و ضمیر ناخودآگاه آن‌ها این نکته را در ذهن آن‌ها برجسته ساخته که برخی از ویژگی‌های مرتبط با پرهیزکاری و تقوا همراه با تنگدستی بدست می‌آید. تصویری که به شکل ناخودآگاه در ذهن ما شکل گرفته است ممکن است به دلیل آموزش‌های ابتدایی در زمان کودکی و خرافات بر اساس تفسیرهای اشتباه از کتاب‌های اخلاقی باشد. هیچ تقوایی در نتیجه فقر بدست نمی‌آید. فقر همانند سایر بیماری‌های ذهنی، یک بیماری است. اگر از لحاظ جسمی بیمار باشید، گمان می‌کنید که برخی مسائل مرتبط با شما اشتباه هستند. بنابراین به دنبال کمک خواهید رفت، یا کارهایی را برای آن شرایط در همان لحظه انجام خواهید داد. همین‌طور هم اگر همیشه در چرخه زندگی خویش پولی نداشته باشید، برخی مسائل در اطرافتان اشتباه هستند.

پول تنها یک علامت است؛ در قرن‌های مختلف از کالاهای مختلفی مانند نمک، مهره، یا جواهرات کم ارزش برای تبادل اجناس استفاده می‌شده

است. در زمان‌های اولیه، ثروت مرد بر اساس تعداد گوسفندها و گاوهایی که داشتند سنجیده می‌شد. نوشتن یک چک برای پرداخت صورت حساب‌هایتان خیلی راحت‌تر از این است که بخواهید برای تسویه حساب خود، تعدادی گوسفند را همراه خودتان حمل کنید.



خدا نمی‌خواهد شما در یک کلبه فقیرانه زندگی کنید یا گرسنه باشید. خداوند دوست دارد شما شاد، کامیاب و موفق باشید. ممکن است آرزو داشته باشید به سراسر جهان مسافرت کنید، علم و هنر را در کشورهای خارجی مطالعه کنید، به دانشگاه بروید یا فرزندان خود را به یک مدرسه عالی بفرستید. مطمئناً آرزو دارید تا محیط اطراف کودکانتان را سرشار از عشق سازید، تا یاد بگیرند قدرتان زیبایی‌ها، نظم‌ها، تقارن‌ها و سهم‌های جهان خود باشند. شما متولد شده‌اید تا موفق باشید، تا پیروز باشید، تا بر تمام مشکلات غلبه کنید و بتوانید تمام استعدادهای خود را به طور کامل پرورش دهید. اگر کمبود مالی در زندگی خود دارید، باید کارهایی در این رابطه انجام دهید.

در قدم اول از تمام عقیده‌ها و باورهای خرافاتی که در مورد پول دارید دور شوید. دیگر به پول به عنوان یک عامل شرارت یا یک ابزار کثیف نگاه نکنید. اگر این کار را انجام دهید، موجب می‌شود این عقیده‌های پولساز و باورهای ثروت‌ساز از شما دور شود. به خاطر داشته باشید که شما باید دیگر پول را محکوم نکنید و آن را بد ندانید.

برای مثال فرض کنید که طلا، نقره، سرب، مس یا آهن در زمین پیدا کرده‌اید. آیا رسماً بیان می‌کنید که این چیزها بد و شرارت‌آور هستند؟ از دید عرفا تمام چیزها خوب هستند. شرارت حاصل شناخت اشتباه و تاریکی ذهن انسان است، شرارت حاصل ذهنی است که روشن نشده است، حاصل تفسیرهای اشتباه انسان در مورد زندگی است و آن حاصل استفاده نادرست از قدرتی است که در ذات ما قرار وجود دارد. اورانیوم، سرب یا هر فلز دیگری می‌تواند به عنوان یک ابزار آسایش استفاده شود. ما از اسکناس‌های کاغذی یا چک و غیره برای این مورد استفاده کرده‌ایم؛ مطمئناً یک تکه کاغذ چیز بد و شرارت‌آمیزی نیست، همین مسئله در مورد چک نیز صادق است. فیزیکدانان نیز همانند دانشمندان دیگر امروزه می‌دانند که تنها تفاوت میان سرب‌ها تعداد و سرعت حرکت الکترون‌هایی است که در اطراف هسته‌های مرکزی می‌چرخند. آن‌ها از طریق بمباران الکترون در سیکلوترون‌های^۱ قدرتمند یک فلز را به فلزی دیگر تبدیل می‌کنند. طلا تحت شرایط خاصی به نقره

^۱ - دستگاه شتاب دهنده‌ای که در آن ذرات باردار بعد از خروج از منبع توسط میدانهای الکتریکی شتاب می‌گیرند.

تبدیل می‌شود. که می‌تواند فقط ارزش کمی داشته باشد در حالیکه طلا و نقره و سایر فلزات از روی قاعده در آزمایشگاه شیمی ساخته می‌شوند. نمی‌توانم تصور کنم که در الکترون‌ها، نوترون‌ها، پروتون‌ها و ایزوتوپ‌ها چیز بدی وجود داشته باشد.

تکه کاغذی که در جیب شماست از الکترون‌ها و نیز پروتون‌هایی با قاعده متفاوت تشکیل شده است. تعداد و سرعت حرکت آن‌ها متفاوت است؛ این تنها عامل تفاوت نقره از کاغذی است که در جیب شما قرار دارد.



برخی افراد می‌گویند: "اوه، مردم برای پول قتل می‌کنند. آن‌ها برای رسیدن به پول دزدی می‌کنند!" پول با جرم‌های بی‌شماری مرتبط است اما پول شرارت را به وجود نمی‌آورد.

فردی ممکن است به شخصی دیگر ۵۰ دلار بدهد تا یک نفر را بکشد؛ آن‌ها از پول به شکل نادرست استفاده کرده‌اند، آن‌ها پول را برای رسیدن به یک هدف مخرب استفاده کرده‌اند. می‌توان از الکتریسیته برای کشتن یک نفر استفاده کرد، در عین حال می‌شود از آن برای روشن کردن خانه نیز سود برد. می‌توانید از آب برای رفع تشنگی یک کودک استفاده کنید یا می‌توانید کودکی را در آب غرق کرد. می‌توانید برای گرم کردن کودکی از آتش استفاده کنید یا آنکه همان کودک را در آتش سوزاند.

مثال دیگر این است که اگر شما مقداری خاک از باغی بردارید و در فنجان قهوه برای سرو صبحانه قرار دهید، این می‌تواند شرارت شما را نشان دهد؛ با این حال نه زمین و نه قهوه هیچ‌کدام شرور نیستند. خاک در محل اشتباه قرار گرفته است، خاک به باغچه شما تعلق دارد.

به شکل مشابه، اگر یک سوزن در انگشت شست شما فرو رود، می‌تواند شرارت شما را نشان دهد. جای سوزن یا سوزن ته گرد در جا سنجاقی است و جایش در انگشت شست شما نیست. سوزن می‌تواند برای دوختن یک ابزار و یک وسیله مفید و سودمند باشد.

ما می‌دانیم نیروها و عناصر طبیعت شرور نیستند، این مسئله وابسته به استفاده ما از آن‌هاست و نوع استفاده ما از آن‌ها موجب می‌شود برایمان یک نعمت باشند یا به ما آسیب برسانند.

فردی در زمانی به من گفت: "من ورشکسته شدم. پول را دوست ندارم؛ پول ریشه تمام بدبختی‌هاست."

دوست داشتن و عشق به پول به شکل انحصاری در مقابل سایر مسائل باعث می‌شود به یک چیز تمایل داشته باشید و تعادل خودتان را از دست بدهید. اینجاست که از قدرت یا اختیار خودتان خردمندانه باید استفاده کنید. برخی افراد آرزوی قدرت دارند، برخی دیگر آرزوی پول دارند. اگر قلب خودتان را به روی پول متمرکز کنید و بگویید: "این تمام چیزی است که من می‌خواهم. می‌خواهم تمام توجه خودم را به گردآوری پول متمرکز سازم؛ هیچ چیز دیگری مهم نیست،" می‌توانید پول بدست آورید و یک ثروت را کسب کنید، اما فراموش خواهید کرد که شما اینجا هستید تا در زندگی خویش به تعادل برسید. "انسان‌ها فقط با خوردن نان زنده نمی‌مانند."



برای مثال اگر به مسئله خاصی اعتقاد دارید، و به روی آن تعصب شدیدی داشته باشید، برای دوستی‌های خودتان، روابط اجتماعی و

فعالیت‌های اجتماعی خود، مانعی را ایجاد می‌کنید، شما زندگی نامتعادلی را تجربه می‌کنید، از بروز احساسات خودتان جلوگیری می‌کنید و - همین‌طور ناامید هم خواهید شد. طبیعت به روی تعادل پافشاری و تأکید می‌کند. اگر تمام زمان خود را به مسائل خارجی و مالکیت‌هایتان متمرکز کنید، در بدست آوردن آرامش ذهنی، یکرنگی و همدلی، عشق و دوستی، شادی یا سلامتی کامل با مشکل روبرو خواهید شد. می‌فهمید که قادر نیستید هر چیزی که واقعی است را بخرید. می‌توانید ثروت را گردآوری کنید، یا میلیون‌ها دلار داشته باشید؛ این عامل شرارت یا بدی نیست. عشق به پول به صورتی که از هر چیز دیگری محروم شویم موجب ناامیدی، محروم شدن و سرخوردگی ما خواهد شد. در این حالت است که پول می‌تواند ریشه شرارت شما باشد.

اگر تنها هدف شما جمع‌آوری پول باشد، خیلی ساده یک انتخاب اشتباه انجام داده‌اید. فکر می‌کنید که این تمام آن چیزی است که می‌خواهید، اما بعد از آنکه تمام تلاش‌هایتان را در این زمینه انجام دادید متوجه خواهید شد که پول تمام آن چیزی نبوده است که می‌خواستید. آنچه واقعاً آرزوی آن را دارید و صحیح است این است که با این پول فراوانی که بدست آورده‌اید به آرامش ذهنی برسید. می‌توانید میلیون‌ها یا خیلی خیلی بیشتر پول داشته باشید، اگر آرزوی چنین ثروتی را دارید، در عین حال می‌توانید آرامش ذهنی، یکدلی و یکرنگی و سلامت کامل و نیز ذات پاک خویش را حفظ کنید.

هر کسی می‌تواند پول کافی داشته باشد، اما این برای زندگی ما کافی نیست. مطمئناً آن‌ها کسانی هستند که می‌خواهند به فراوانی برسند و

موارد اضافه بر نیاز خود را بدست آورند. او باید آن را داشته باشد. انگیزه‌ها، تمایلات و خواسته‌های ما برای غذا، لباس، خانه، ابزارهای بهتری از حمل و نقل، ظاهر بهتر و نسل بهتر، - همگی فراوانی‌هایی هستند که خداوند به ما هدیه داده است و همگی آن‌ها خوب هستند. هنوز ما ممکن است این خواسته‌ها، تمایلات و آرزوهای خودمان را در جهت اشتباه هدایت کنیم، در نتیجه اثرات شرارات آور و منفی در زندگی ما آشکار خواهد شد.

انسان‌ها طبیعت شرور و بدی ندارند. هیچ شرارتی در ذات شما وجود ندارد؛ ذات شما ذاتی پاک است، هوشمندی از ابتدا در ذات شما قرار داده است.

برای مثال یک پسر می‌خواهد به دانشگاه برود، اما پول کافی ندارد. او می‌بیند پسرهای همسایه از رفتن به دانشکده و دانشگاه دست برداشته‌اند؛ تمایل او افزایش پیدا می‌کند. به خودش می‌گوید: "من هم آرزوی آموختن دارم." چنین فرد جوانی ممکن است برای آنکه (به هدفش) رسیدن به دانشگاه برسد، مرتکب دزدی شود. تمایل او برای رفتن به دانشگاه به شکل اساسی و بنیادین یک تمایل خوب است؛ اما برای رسیدن به خواسته خویش در جهت اشتباه گام برداشته است و اصرار داشته که قوانین جامعه را زیر پا بگذارد، قوانین یکسان عالم هستی یا قوانین طلایی را نادیده گرفته است، بنابراین برای خودش در دسر درست کرده است.

اگر این پسر از قوانین ذهنی و ظرفیت نامحدود خود از طریق قدرت روحی برای رفتن به دانشگاه آگاه بود، اکنون آزاد بود و به زندان

نمی‌رفت. چه کسی او را به زندان انداخت؟ او خودش را در این مکان قرار داد. پلیسی که این فرد را به زندان انداخته است، ابزاری بوده است که در نتیجه تجاوز او به قانون ایجاد شده است. اول خودش را با فکر دزدیدن و آسیب رساندن به دیگران به زندان افکنده است. ترس و گناهی هوشیارانه در ادامه رخ داده است؛ این زندان فکر است، که به دنبال آن دیوارهای زندانی ساخته شده از آجر و سنگ را به ارمغان خواهد آورد.



پول نشانه‌ای از قدرت، زیبایی، پاکی و فراوانی سرشار نعمت است. پول باید خردمندانه، عاقلانه و به شکل مفید استفاده شود تا نعمت‌های بی‌شماری برای جامعه انسانی به ارمغان آورد. این تنها نشانه سلامت اقتصادی ملت است. وقتی خونتان آزادانه در گردش است شما سلامت هستید. وقتی پولتان آزادانه در زندگی شما در چرخش است، از لحاظ اقتصادی سالم هستید. وقتی مردم شروع به نخیره پول می‌کنند، پول

خودشان را در جعبه‌هایی آهنی حبس می‌کنند یا با ترس پول خود را خرج می‌کنند این یک بیماری اقتصادی است.

ورشکستگی سال ۱۹۲۹ یک درد روحی بود. باعث شد ترس در ذهن مردم در هر مکانی غلبه پیدا کند. این نوعی حمله منفی و خواب‌آور بود. شما در یک جهان خصوصی و بی‌طرف زندگی می‌کنید. نباید از غذاهای روحی مانند آرامش ذهنی، عشق، زیبایی، یکدلی، شادمانی و خنده غافل شوید.

دانش قدرت روحی، ابزارهایی برای حرکت در جاده پادشاهی رسیدن به تمام انواع ثروت‌هاست، این ثروت‌ها می‌تواند مربوط به تمایلات روحی، ذهنی یا مادی شما باشد. فرد موفق، معتقد است و به طور مطلق می‌داند که با وجود شرایط اقتصادی، نوسانات بازار سهام، کساد، اعتصابات، جنگ‌ها، یا سایر موقعیت‌ها و شرایط، همیشه به میزان فراوانی آنچه که با پولش ممکن است بدست آورد را فراهم خواهد کرد. دلیل این است که او به شکل آگاهانه ثروتی پایدار دارد. فرد موفق خودش را از لحاظ ذهنی متقاعد ساخته است که ثروت همیشه به شکل آزادانه در زندگیش جریان دارد و همیشه یک ثروت در یک حالت خودآگاه وجود دارد؛ ذهنی که بخشنده است همیشه ثروت در آن جاری است. متفکران علمی به پول یا ثروت همانند یک جذر و مد نگاه می‌کنند؛ به عبارت دیگر با اینکه پول از دست می‌رود، همیشه دوباره برمی‌گردد. جذر و مد هرگز شکست نمی‌خورد و متوقف نمی‌شود؛ هیچ چیزی برای انسان بدست نخواهد آمد اگر او به خستگی‌ناپذیری، تغییرناپذیری، جاودانگی و حضور دائمی در همه جا، ایمان داشته باشد. به پرندگان آسمان نگاه